

حَلَاجُ الْأَسْرَارِ

(اخبار و اشعار)

بيژن الهی



انت ولی فی الدنیا والآخرة یا علی

حلاج الأسرار نامی است که از دو حیث بر این کتاب می‌افتد. اول این که خود لقب جناب شیخ حسین بن منصور بیضائی، عارف سده‌ی سوم هجری است قدس سره. دوم این که خود موافق سنتی است از سنن نامگذاری قدما. محبوب‌الاولیا مثلاً، که نام دفتری از سعدالدین حمویه است، یعنی متنی که دلپذیر اولیاست؛ و «مونس العشاق»، که نام رساله‌ی از سهروردی است، یعنی کتابی که مونس و همراه عاشقان باشد. به همین روال، حلاج الأسرار یعنی کتابی که کاونده‌ی دهاست (سرّ = دل)، یا دفتری که در آن حلاجی‌ی رازهاست مثلاً.

میان «اشعار» و «اخبار»، که مقومات مجموعه‌ی ماست، بیش از ده سال فاصله‌ست. شعرها همه جز دو سه تا کار ۱۳۵۰ اند، گرچه در سالهای بعد دستکاری شده‌اند. نثرها، اما، کار ۶۱ اند و ۶۲، از قوس خزان تا اواخر تابستان؛ علاوه بر تعلیقات بسیار مفصلی (به سر رسیده در نوروز ۶۳) که یکی به صلاحدید دوستان و یکی به مقتضای شرایط دوران از چاپ فعلی بیرون گذاشته‌ایم از بی‌کاغذی و جز چند نمونه از آن میانه به دست نداده‌ایم در پایان کتاب.

نثرها تا به حال رنگ چاپ ندیده‌اند، اما سومین بار شعرهاست که با تفاوت‌هایی چاپ می‌خورند. چاپ اول (که درنیامد) به سرمایه‌ی شرکت «پنجاه و یک» بود در ۱۳۵۳. چاپ دوم هم به سرمایه‌ی «انجمن فلسفه» بود در ۱۳۵۴، که، چون در غیاب بنده انجام گرفت و بی‌خبر، خالی از اغلاط نماند و از تصحیحات و استدراکاتی نیز که در همان اوان صورت گرفته بود بی‌نصیب افتاد.

حلاج، گرچه خود زاده‌ی بیضای فارس بود، چون در واسط و بصره بار آمده بود، فارسی هیچ نمی‌دانست. شعرهای ما گزینیه‌ی ست از میان هشتاد و هفت پاره‌ی تازی، غالباً کوتاه، که کُلّ اشعار بازمانده‌ی اوست علی‌الظاهر: *دیوان‌الحلاج*، ویراسته‌ی لویی مسینیون (پاریس، ۱۹۵۵). فارسی‌ی این شعرها چه بسا آمدنی بوده، نه پرداختنی. هم از این روست که گاه از معنی‌ی اصل واگشته و گاه از قوانین قدمایی‌ی شعر فارسی. نیز، از همین روست که بی‌غث و سمین نمانده و روی بنده سیاه، که ظرفم ازین بیش نبوده زیر آن رگبار. نثرها، اما، همه سنجیده و پرداخته‌ست و از روی منابع متعدّد کار شده: قطعات ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۳ و ۴۲ و ۴۳ از روی ویرایش *سوم‌اخبار‌الحلاج*، ویراسته‌ی لویی مسینیون و پُل کراوس (پاریس، ۱۹۳۶)؛ قطعات ۳۱ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۹ از روی اثر معروف عرب بن سعد قرطبی، *صلة تاریخ الطبری* (لیدن، ۱۸۹۷)؛ قطعات ۷ و ۸ از روی *اخبار‌الحلاج*، شرح *شطحیات روزبهان* (ویراسته‌ی کُربن)، و *سیرت ابن خفیف* (ویراسته‌ی شیمل، آنکارا، ۱۹۵۵)؛ قطعه‌ی ۳۴ نیز از روی همین سه منبع،

علاوه بر نجات‌الانس جامی؛ قطعه‌ی ۱۰ از روی سیرت ابن خفیف و شرح شطحیات و صلة تاریخ الطبری؛ قطعه‌ی ۳ از روی الرسالة التفسیریة؛ قطعه‌ی ۱۳ از روی ترجمه‌ی مسینیون (در مصیبت منصور) از روایت ابن باکویه در بدایة حال الحلاج و نهایت که به اصل تازیش دسترسی نداشتیم بدبختانه؛ قطعه‌ی ۹ نیز از روی روایت ابن باکویه، علاوه بر اخبار الحلاج و سیرت ابن خفیف؛ قطعه‌ی ۲۲ از روی ترجمه‌ی مسینیون (در مصیبت منصور) از روایت مذکور در نشوار بوعلی تنوخی؛ و قطعه‌ی ۴۱ از روی ملحقات تازی سیرت ابن خفیف، با رجوع ضمنی به مصیبت منصور، نامی که ما به ویرایه‌ی (version) نهایی حلاج‌نامه‌ی معروف مسینیون داده‌ایم که در چهار جلد در پاریس چاپ‌شده‌ست —

La passion d'al-Hosayn-ibn-Mansour al-Hallaj

— و به انگلیسی هم ترجمه‌اش کرده‌اند. باری، علاوه بر منابع فوق‌الذکر، ما به ترجمه‌ی انگلیسی‌ی مصیبت منصور هم همه‌جا مراجعه کرده‌ایم.

افزودنی‌ست که پاری از «اخبار» ما تعبیه‌اند (adaptation)، نه ترجمه، مثل دو قطعه‌ی ۱۷ و ۳۰ که از روی اخبار الحلاج کار شده‌اند، چنان که گذشت؛ یا قطعه‌ی ۱۱ که از روی تذکرة‌الاولیای عطار؛ یا قطعه‌ی ۳۸ که از روی روایت فارسی‌ی بسیار ساده‌ی در آثار نجم‌الدین رازی (مرموزات اسدی و مرصادالعباد). و اما قطعه‌ی ۳۵ نه ترجمه‌ست، نه تعبیه، بل با اندک تصرفی از شرح شطحیات روزبهان نقل شده‌ست. قطعه‌ی ۴۴ هم اساساً گردانه‌ی (variation) شخص ماست، ولی نه این که سراسر افسانه‌ی باشد، چه معاینه‌ی (vision) مرکزی به تعبیه بر اساس رؤیتی نوشته شده‌ست که به